



انتقاد کتاب

محمدجواد شریعت

مقدمه و تصحیح و تحشیه از پرویز ناتل خانلری

شمت و هشت + ۱۰۶۰ صفحه

دیوان حافظ

تاکنون از هرا دیب دانشگاهی پرسیده می شده کدام یک از چاپهای دیوان حافظ بهترین و دقیقترین چاپ است بیدرنگ می گفت چاپ مرحوم قزوینی و واحدی هم (اگرچه به مذاق بعضی خوش نیاید) حق و شایسته بود ولی اکنون اگر از کسی چنین سؤالی شود، مردد خواهد بود که چاپ مرحوم قزوینی را بر چاپ استاد خانلری ترجیح دهد یا این را بر آن. بنده در این گفتار می خواهم این دورا با هم مقایسه کنم و نتیجه ای بگیرم که آن تردید را زایل کند. نسخه ای که اساس طبع مرحوم قزوینی است همان نسخه خطی مرحوم خلخالی است که تاریخ کتابت آن ۸۲۷ هجری قمری است و نسخ دیگر چاپ آن مرحوم همه تاریخی جدیدتر دارند در حالی که اکثریت قریب به اتفاق نسخ اساسی طبع جناب استاد خانلری کهنه تر از نسخه اساس طبع مرحوم قزوینی هستند. به این ترتیب: نسخه الف (۸۱۱)، نسخه ب (۸۱۳)، نسخه ج (۸۱۳ - ۸۱۴)، نسخه د (۸۱۶)، نسخه ه (۸۱۸)، نسخه و (۸۰۷)، نسخه ز (نیمه قرن نهم)، نسخه ح (۸۲۱)، نسخه ک (۸۲۵) نسخه ل که همان نسخه اساس طبع مرحوم خلخالی است (۸۲۷) نسخه م (۸۳۶) و نسخه ن (۸۱۷ - ۸۲۸) . بنا بر این سه نکته را باید در اینجا متذکر شد. اول آن که استاد خانلری با مقابله ۱۲ نسخه که اغلب آنها کهن تر از نسخه اساس طبع مرحوم قزوینی بوده است دیوانی منسّخ و مصحّح عرضه داشته اند که اطمینان خوانندگان را به در دست داشتن دیوانی نزدیک به آنچه حافظ سروده است، جلب می کند.

دوم این که مرحوم قزوینی به ندرت به نسخه بدلها اشاره می کند، در حالی که استاد خانلری در یک صفحه غزل حافظ را نگاشته اند و در صفحه مقابل آن تقریباً "همه نسخه بدلها و ترتیب ابیات را نشان داده اند.

(البته در مورد نسخه ن این کار نشده است و نسخه بدل های این دست نویس در پایان دیوان داده شده است) . سوم این که کسی که دیوان چاپ استاد خانلری را داشته باشد می تواند اطمینان داشته باشد که نسخه اساس مرحوم قزوینی را (که همان نسخه ل باشد) هم دارد .

حضرت استاد قول داده اند که قصاید و مقطعات و رباعیات خواجه را با توضیحاتی درباره غزلیات در مجلدی دیگر به خوانندگان کتاب عرضه کنند که ما سخت مشتاق آن هستیم و امیدواریم که هر چه زود تر به زیارت آن نائل آییم .

تعداد غزلیهای حافظ در چاپ مرحوم قزوینی ۴۹۵ و در چاپ استاد خانلری ۴۸۶ غزل است و چند غزل را که آقای دکتر خانلری عقیده دارند که از حافظ نیست ولی در نسخه های زیر دست ایشان بوده است ، در آخر دیوان تحت عنوان « ملحقات » آورده اند .

غزلیهایی که در متن دیوان چاپ استاد خانلری نیست ولی در چاپ مرحوم قزوینی هست ۱۴ غزل است به این ترتیب : (همه شماره هایی که در این مقاله آمده است شماره غزلیها بر اساس طبع مرحوم قزوینی است ، زیرا می خواهم کسانی که هنوز دیوان حافظ چاپ استاد خانلری را ندارند بتوانند از کم و کیف آن باخبر شوند) غزلیهای شماره ۷۵ ، ۹۲ ، ۹۶ ، ۹۷ ، ۹۸ ، ۱۸۱ ، ۲۲۳ ، ۲۳۸ ، ۲۶۱ ، ۲۹۵ ، ۳۰۸ ، ۳۸۸ (که همه در ملحقات آمده است) و غزلیهای شماره ۳۲۹ (به مطلع : جوزا سحر نهاد حمایل برابرم ...) و ۴۳۴ (به مطلع : ای دل میباش یکدم خالی ز عشق و مستی) که در ملحقات نیامده است و بنده فکرمی کنم که غزل شماره ۳۲۹ مانند اغلب چاپهای دیوان در قسمت قصاید بیاید . بنا بر این تنها یک غزل (غزل شماره ۴۳۴) در دیوان چاپ استاد نیست . اما غزلیهایی که در چاپ استاد خانلری هست ولی در چاپ مرحوم قزوینی نیست عبارتست از غزلیهایی به مطلع (صبح دولت می دمد کوجام همچون آفتاب به شماره ۱۴) و (ز دل برآدمم و کار بر نمی آید ... به شماره ۲۳۴) و (مزده ای دل که مسیحا نفسی می آید ... به شماره ۲۳۵) و (جانا ترا که گفت که احوال ما میرسد ... به شماره ۲۶۴) و (عمریست تابه راه غمت رو نهاده ایم به شماره ۳۵۸ که با غزل شماره ۳۵۷ مخلوط شده است - رجوع کنید به غزل شماره ۳۶۵ از چاپ مرحوم قزوینی) .

غزلیهایی که در هر دو چاپ از نظر کلمات و ترکیبات عیناً مانند همند (۹۵) غزل است

غزلهایی که از نظر ترتیب ابیات در هر دو چاپ مانند همند (۲۲۷) غزل است. غزلهایی که حداکثر در سه مورد اختلاف جزئی دارند (۲۲۷) غزل است بنابراین اگر غزلهایی که هیچ اختلافی با هم ندارند بر غزلهایی که اختلافاً جزئی و قابل چشم پوشی است اضافه شود مجموعاً ۳۳۶ غزل در دو چاپ دیوان یکسان به حساب می آید و وقتی این عدد از مجموع غزلها یعنی ۴۸۶ کسر شود معلوم می شود که در مورد ۱۵۰ غزل اختلافهای قابل ملاحظه‌ای وجود دارد که در ذیل به آن اشاره می شود:

ابیاتی که در دیوان چاپ قزوینی هست ولی در چاپ استادخانلری وجود ندارد ۹۵ بیت و عبارتست از: (شماره اول، بیت و شماره بعد شماره غزل است): ۵/۱۰ ، ۱۶/۵ ، ۱۹/۶ ، ۲۸/۶ ، ۲۹/۷ ، ۳۱/۷ ، ۴۹/۷ ، ۷۰/۶ ، ۵۶/۱۰ ، ۶۰/۸ ، ۶۴/۷ ، ۶۹/۱۰ ، ۹۴/۸ ، ۱۱۷/۷ ، ۱۲۶/۸ ، ۱۳۱/۷ ، ۱۳۲/۴ ، ۱۴۲/۷ ، ۱۴۹/۷ ، ۱۵۳/۱۳ ، ۱۶۸/۴ ، ۱۷۲/۶ ، ۱۷۸/۱۰ ، ۱۸۰/۷ ، ۱۸۳/۷ ، ۱۹۲/۹ ، ۱۹۴/۶ ، ۱۹۶/۱۱ ، ۲۰۰/۲ ، ۲۰۷/۴ ، ۲۲۴/۴ ، ۲۲۷/۹ ، ۲۴۶/۷ ، ۲۵۶/۱۱ ، ۲۵۸/۹ ، ۲۵۹/۷ ، ۲۶۶/۳ ، ۲۹۴/۲ ، ۲۹۷/۷ ، ۳۱۹/۹ ، ۳۳۶/۷ ، ۳۳۸/۷ ، ۳۴۶/۱۱ ، ۳۶۵/۴ ، ۳۷۸/۵ ، ۳۹۷/۱۱ ، ۳۹۸/۷ ، ۴۱۵/۹ ، ۴۱۹/۱۰ ، ۴۲۱/۵ ، ۴۲۵/۱۰ ، ۴۲۸/۷ ، ۴۳۰/۴ ، ۴۳۱/۸ ، ۴۳۵/۷ ، ۴۴۲/۴ ، ۴۴۸/۶ ، ۴۵۰/۹ ، ۴۵۲/۱۳ ، ۴۶۰/۱۳ ، ۴۵۴/۱۴ ، ۴۵۵/۳ ، ۴۵۷/۶ ، ۴۶۰/۱۳ ، ۴۶۱/۱۱

و ابیاتی که در دیوان چاپ استادخانلری هست ولی در چاپ مرحوم قزوینی نیست ۸۵ بیت و عبارتست از: ۱۰ دوبیت ۱۷ یک بیت ۲۸ یک بیت ۲۹ یک بیت ۳۸ یک بیت ۴۷ یک بیت ۵۹ یک بیت ۶۳ یک بیت ۶۴ یک بیت ۶۹ دوبیت ۸۰ یک بیت ۸۷ یک بیت ۹۳ دوبیت ۱۲۶ یک بیت ۱۳۲ یک بیت ۱۴۱ یک بیت ۱۴۵ یک بیت ۱۶۲ یک بیت ۱۹۲ یک بیت ۱۹۷ یک بیت ۱۹۹ دوبیت ۲۲۱ یک بیت ۲۲۵ یک بیت ۲۳۳ یک بیت ۲۳۵ دوبیت ۲۳۷ یک بیت ۲۳۹ پنج بیت ۲۵۶ دوبیت ۲۵۸ دوبیت ۲۵۹ شش بیت ۲۶۶ دوبیت ۲۸۰ یک بیت ۲۹۰ یک بیت ۲۹۱ یک بیت ۲۹۲ یک بیت ۳۰۳ یک بیت ۳۰۵ دوبیت ۳۱۶ یک بیت ۳۱۹ یک بیت ۳۲۳ یک بیت ۳۲۴ یک بیت ۳۲۸ یک بیت ۳۵۳ یک بیت ۳۶۵ یک بیت ۳۷۷ یک بیت ۳۸۳ یک بیت ۴۱۱ دوبیت ۴۱۵ سه بیت ۴۱۸ یک بیت ۴۳۰ یک بیت ۴۳۳ یک بیت ۴۳۵ شش بیت ۴۳۶ یک بیت ۴۴۰ یک بیت ۴۴۱ یک بیت ۴۵۲ یک بیت ۴۶۲ یک بیت ۴۶۳ یک بیت

اینک به برخی از اختلافات دو چاپ می پردازیم تا مثنوی از خروار
نشان داده باشیم :

غزل ۳ بیت ۶ : ق : اگر دشنام فرمائی و گرفتارین دعا گویم

جواب تلخ می زبید لب لعل شکر خارا

خ : بدم گفתי و خرسندم عفاک الله تنکو گفתי

جواب تلخ می زبید لب لعل شکر خارا

غزل ۴ بیت ۳ : ق : غرور حسنت اجازت مگر ندادای گل

که پرسشی نکنی عندلیب شیدارا

خ : غرور حسن اجازت مگر ندادای گل

که پرسشی بکنی عندلیب شیدارا

غزل ۵ بیت ۸ : ق : آن تلخ و ش که صوفی ام الخبائثش خواند

اشهی لنا واحلی من قبله العذرا

خ : بنت العنب که زاهد ام الخبائثش خواند

اشهی لنا واحلی من قبله العذرا

غزل ۷ بیت ۲ : ق : راز درون پرده زرنندان مست پر س

کاین حال نیست زاهد عالمقام را

خ : راز درون پرده زرنندان مست پر س

کاین حال نیست صوفی عالمقام را

غزل ۹ بیت ۸ : ق : هر کرا خوابگه آخر مثنوی خاک است

گوچه حاجت که با فلاک کشی ایوان را

خ : هر کرا خوابگه آخرنه که مثنوی خاک است

گوچه حاجت که بر آری به فلک ایوان را

غزل ۱۰ بیت ۳ : ق : در خرابات طریقت ما بهم منزل شویم

کاین چنین رفتست در عهد ازل تقدیر ما

خ : در خرابات مغان ما نیز هم منزل شویم

کاین چنین رفتست در عهد ازل تقدیر ما

غزل ۱۰ بیت ۶ : ق : بادل سنگینت آیهیچ درگیرد شی

آه آتش ناک و سوز سینه شگیر ما

خ : بادل سنگینت آیهیچ درگیرد شی

آه آتش ناک و سوز ناله شگیر ما

- غزل ۱۹: بیت ۸ : ق : ساقی و مطرب و می جمله مهیاست ولی
عیش بی یار مهیا نشود یار کجاست
خ : بساده و مطرب و گل جمله مهیاست ولی
عیش بی یار (مهنا) نشود یار کجاست
- غزل ۲۱: بیت ۷ : ق : حافظ این خرقه بیندازم گر جان ببری
کاتش از خرقه سالوس و کرامت برخاست
خ : حافظ این خرقه بیندازم گر جان ببری
کاتش از خرقه سالوس کرامت برخاست
- غزل ۲۲: بیت ۶ : ق : نخفته ام ز خیالی که می پزد دل من
خمار صدشبه دارم شرابخانه کجاست
خ : نخفته ام ز خیالی که می پزم، شبهاست
خمار صدشبه دارم شرابخانه کجاست
- غزل ۲۵: بیت ۱ : ق : شکفته شد گل حمرا و گشت بلبل مست
صلای سرخوشی ای صوفیان باده پرست
خ : شکفته شد گل خمیری و گشت بلبل مست
صلای سرخوشی ای صوفیان وقت پرست
- غزل ۲۹: بیت ۶ : ق : گل بر رخ رنگین تو تالطف عرق دید
در آتش شوق از غم دل غرق گلابست
خ : گل بر رخ رنگین تو تالطف عرق دید
در آتش رشک از غم دل غرق گلابست
- غزل ۳۲: بیت ۲ : ق : مرا و سرو چمن را بجاک راه نشانند
زمانه تاقصب نرگس قبای تو بست
خ : مرا و مرغ چمن راز دل ببرد آرام
زمانه تاقصب نرگس و قبای تو بست
- غزل ۳۲: بیت ۶ : ق : تو خود وصال دگر بودی ای نسیم وصال
خطا نگر که دل امید در وفای تو بست
خ : تو خود حیات دگر بودی ای زمان وصال
خطا نگر که دل امید در وفای تو بست
- غزل ۳۴: بیت ۱ : ق : رواق منظر چشم من آشیانه تست
کرم نما و فرود آ که خانه خانه تست

- خ : رواق منظرًا چشم من آستانه تست
 کرم نمای و فرود آ که خانه خانه تست
 غزل ۴۱ : بیت : ۴ : ق : به آب دیده بشوئیم خرقه ها از می
 که موسم ورع و روزگار پرهیزست
 خ : زرنگ باده بشوئیم خرقه ها در اشک
 که موسم ورع و روزگار پرهیزست
 غزل ۳۴ : بیت : ۴ : ق : مرغ خوشخوانرا بشارت با دکاندر راه عشق
 دوست را باناله شبهای بیداران خوش است
 مرغ شبخوانرا بشارت با دکاندر راه عشق
 دوست را باناله شبهای بیداران خوش است
 غزل ۶۰ : بیت : ۲ : ق : خوش می دهد نشان جلال و جمال یار
 خوش می کند حکایت عزو وقار دوست
 خ : خوش می دهد نشان جمال و جلال یار
 تا در طلب شود دل امید وار دوست
 غزل ۶۲ : بیت : ۵ : ق : بس نگویم شمه ای از شرح شوق خود از آنک
 درد سر باشد نمودن بیش ازین ابرام دوست
 خ : می بگفتم شمه ای از شرح شوق خود ولی
 من نمی خواهم نمودن بیش ازین ابرام دوست
 غزل ۶۷ : بیت : ۵ : ق : می دهد هرکش افسونی و معلوم نشد
 که دل نازک او مایل افسانه کیست
 خ : می دمد (تصحیح قیاسی) هرکش
 غزل ۶۸ : بیت : ۱ : ق : ماهم این هفته برون رفت و به چشم سالیست
 حال هجران توجه دانی که چه مشکل حال است
 خ : ماهم این هفته شدا ز شهر و به چشم سالیست
 حال هجران توجه دانی که چه مشکل حال است
 غزل ۷۱ : بیت : ۵ : ق : این چه استغناست یارب وین چه قادر حکمتست
 کاین همه زخم نهان هست و مجال آه نیست
 خ : این چه استغناست یارب وین چه قادر حکم است
 کاین همه زخم نهان هست و مجال آه نیست

- غزل ۸۰ بیت ۲: ق : من اگر نیکم و گرید تو برو خود را باش
هر کسی آن درود عاقبت کار که کشت
- خ : من اگر نیکم و گرید تو برو خود را گوش
هر کسی آن درود عاقبت کار که کشت
- غزل ۸۲ بیت ۲: ق : تارفت مرا از نظر آن چشم جهان بین
کس واقف ما نیست که از دیده چهار رفت
- خ : تارفت مرا از نظر آن نور جهان بین
کس واقف ما نیست که از دیده چهار رفت
- غزل ۸۵ بیت ۴: ق : عشوه دادند که بر ما گذری خواهی کرد
دیدي آخر که چنین عشوه خریدیم و برفت
- خ : عشوه می داد که از کسوی ملامت نرویم
دیدي آخر که چنان عشوه خریدیم و برفت
- غزل ۸۶ بیت ۲: ق : آن عشوه داد عشق که مفتی ز ره برفت
وان لطف کرد دوست که دشمن حذر گرفت
- خ : آن عشوه داد عشق که تقوی ز ره برفت
وان لطف کرد دوست که دشمن حذر گرفت
- غزل ۹۰ بیت ۲: ق : حیفاست طایری چو تو در خاکدان غم
ز اینجابه آشیان وفا می فرستمت
- خ : حیفاست طایری چو تو در خاکدان غم
ز اینجابه آشیان وفا می فرستمت
- غزل ۱۰۴ ابیات ۱ تا ۴: ق : جمالت آفتاب هر نظر باد
ز خوبی روی خوبتر باد
- خ : همه این ابیات با ضمیر سوم شخص است به این ترتیب:
جمالش آفتاب هر نظر باد
- ز خوبی روی خویش خوبتر باد
همای زلف شاهین شهپرش را
دل شاهان عالم زیر پر باد
کسی کویسته زلفش نباشد
چو زلفش درهم وزیر و زیر باد
دلی کوی عشق رویش نباشد

- غزل ۱۰۶ بیت ۴ : ق : درین چمن چو درآید خزان بیغمائی
 رهش به سروسهی قامت بلند میباد
 خ : بدین چمن چو درآید خزان بیغمائی
 رهش به سروسهی قامت بلند میباد
- غزل ۱۰۷ ابیات ۷ و ۸ : ق : قد همه دلبران عالم
 پیش الف قدت چونون باد
 هر دل که ز عشق توست خالی
 از حلقهء وصل تو بیرون باد
 خ : قد همه دلبران عالم
 در خدمت قامتت نگون باد
 هر کس که نباشدش بسرهجر
 از حلقهء وصل تو بیرون باد
- غزل ۱۱۶ بیت ۱ : ق : کسی که حسن و خط دوست در نظر دارد
 محقق است که او حاصل بصردارد
 خ : کسی که حسن خط دوست
- غزل ۱۲۸ بیت ۶ : ق : علم و فضلی که به چل سال دلم جمع آورد
 ترسم آن نرگس مستانه به بیغما ببرد
 خ : علم و فضلی که به چل سال دلم جمع آورد
 ترسم آن نرگس ترکانه به بیغما ببرد
- غزل ۱۴۹ بیت ۲ : ق : خدا را ای نصیحت گو حدیث سا غرومی گو
 که نقشی در خیال ما ازین خوشتر نمی گیرد
 خ : خدا را ای نصیحت گو حدیث از خط سا فی گو
 که نقشی در خیال ما ازین خوشتر نمی گیرد
- غزل ۱۵۱ بیت ۵ : ق : چه آسان می نمود اول غم دریا به بوی سود
 غلط کردم که این طرفان به صد گوهر نمی آرزد
 خ : بس آسان می نمود اول غم دریا به بوی سود
 غلط گفتم که این طرفان به صد گوهر نمی آرزد
- غزل ۱۵۳ بیت ۳ : ق : نگارم دوش در مجلس بزم رقص چون برخاست
 گره بگشود از برو و بردلهای یاران زد

- خ : نگارم دوش در مجلس بعزم رقص چون برخاست
 گره بگشود از گیسو و بردل های یاران زد
 غزل ۱۵۶ بیت ۱ : ق : به حسن و خلق و وفا کس به یارمانرسد
 ترا درین سخن انکار کار ما نرسد
 خ : به حسن خلق و وفا
 غزل ۱۶۹ بیت ۲ : ق : آب حیوان تیره گون شد خضر فرخ پی کجاست ؟
 خون چکید از شاخ گل باد بهاران را چه شد ؟
 خ : آب حیوان تیره گون شد خضر فرخ پی کجاست ؟
 گل بگشت از رنگ خود باد بهاران را چه شد
 غزل ۱۸۹ بیت ۸ : ق : یا وفا یا خبر وصل تو یا مرگ رقیب
 بود آیا که فلک زین دوسه کاری بکند
 خ : یا وفا یا خبر وصل تو یا مرگ رقیب
 بازی چرخ یکی زین همه باری بکند
 غزل ۱۹۱ بیت ۹ : ق : با چشم پرنیرنگ او حافظ مکن آهنگ او
 کان طره شبرنگ او بسیار طراری کند
 خ : با چشم پرنیرنگ او حافظ مکن آهنگ او
 کان چشم مست شنگ او بسیار مکاری کند
 غزل ۱۹۶ بیت ۲ : ق : دردم نهفته به ز طبییان مدعی
 باشد که از خزانه غییم دوا کنند
 خ : دردم نهفته به ز طبییان مدعی
 باشد که از خزانه غییم دوا کنند
 غزل ۲۰۵ بیت ۶ : ق : چشم آندم که ز شوق تو نهد سربلحد
 تادم صبح قیامت نگران خواهد بود
 خ : چشم آن شب که ز شوق تو نهد سربلحد
 تادم صبح قیامت نگران خواهد بود
 غزل ۲۰۸ بیت ۵ : ق : گر مدد خواستم از پیرمغان عیب مکن
 شیخ ما گفت که در صومعه همت نبود
 خ : گر من از میکده همت طلبم عیب مکن
 شیخ ما گفت که در صومعه همت نبود

غزل ۲۱۸ بیت ۴ : ق : بی چراغ جام در خلوت نمی یارم نشست
زانکه گنج اهل دل باید که نورانی بود

خ : بی چراغ جام در خلوت نمی یارم نشست
زانکه گنج اهل دل باید که نورانی بود

غزل ۲۲۶ بیت ۹ : ق : این سرکشی که کنگره، کاخ وصل راست
سرها بر آستانه، او خاک در شود

خ : این سرکشی که در سر سرو بلندتوست
کی با تو دست کوتاه مادر کمرشود

غزل ۲۴۴ بیت ۱ : ق : معاشران گره از زلف یار باز کنید
شی خوشت بدین قصه اش دراز کنید

خ : معاشران گسره زلف یار باز کنید
شی خوشت بدین وصله اش دراز کنید

ومن قصه را در اینجا کوتاه می کنم و عمرو سعادت برای استاد
بزرگوار از درگاه پروردگار می خواهم.

در پایان این مطلب را بیفرایم که بنده برخلاف استاد دانشمند
جناب امیری فیروز کوهی به «حافظ بس» اعتقادی ندارم و به عقیده*

بنده با چاپ دیوان منقحی این چنین جناب استاد خانلری قدم اول رادر
راه تحقیق درباره شعر حافظ برداشته اند و این هنوز اول آذاز جهان

افروزست ... امیدوارم محققان حافظ شناس اکنون که زمینه مساعد است
(یعنی دیوانی منقح در دسترس دارند) دستی بجای نند و باقی پیش

نهند و تا آنجا که می توانند حق شاعر شیراز را ادا کنند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

در شماره دیگر خواهید خواند (بجز دنباله مقالات)

فرهنگ نویسی فارسی در آینده - یحیی مهدوی (نوشته های محمد قزوینی) - اکبر اصغری
تبریزی (سعدی از دیده دیدرو) - منوچهر امیری (تطبیق دو حماسه) - حمید ایزدیناه (سب نامه
جابرینها) - ادیب السلطنه سمعی (کودتای ۱۲۹۹) - فریدون توللی (شعر) - دکتر قاسم غنسی
(محمد قزوینی) - محمد یوسف کیانی (حکم شاه طهماسب صفوی در طرز پذیرائی از همایون پادشاه
هند) - حسینعلی هروی (دیوان حافظ چاپ انجمن شیرازی) - جواد شیخ الاسلامی (درباره کودتای
۱۲۹۹) - وهری، وهری (ترجمه ماهیار نوایی)